

## تخریب در قانون جزائی ایران

پیش از ورود باصل موضوع یعنی بحث در پیرامون جرم تخریب لازم میدانند برای روشن شدن پاره ای مطالب که بعداً بان استناد خواهد شد کلیاتی در باب عنصر معنوی یا روحی جرم بطور اجمال یادآوری شود. بنا براین مطالب این نوشته مرکب خواهد بود از:

الف - توضیحی در باب عنصر معنوی جرم (۱)

ب - تخریب در قانون جزائی ایران .

ج - نتیجه‌ای که باید از این بحث گرفته شود .

### الف - توضیحی در باب عنصر معنوی جرم

برخلاف اعصار قدیمه که جرائم را اعم از اینکه از شخص عاقل و رشید بدون قصد سر بزند یا از ناحیه صغیر و مجنون صادر شود قابل تعقیب می‌شناختند در حقوق جدید بعقیده عموم دانشمندان حقوق جزائی هیچ جرمی خواه عمدی و خواه غیر عمدی بدون اراده و قصد مرتکب قابل تحقق نبوده و اصولاً عمل غیر ارادی موجب مسئولیت جزائی نتواند بود و اراده و قصد عامل است که عنصر روحی یا معنوی جرم بوده و بضمیمه دو عنصر قانونی و مادی عناصر عمومی جرائم را تشکیل میدهند. (۲)

هر گاه نفس عمل یا سبب و نتیجه حاصله از آن یا سبب هر دو مورد قصد عامل باشد جرم عمدی بوده و هر گاه تنها نفس عمل مقصود عامل بوده و نتیجه آن مورد قصد نباشد جرم غیر عمدی خواهد بود. (۳)

(۱) - در حقوق جزاء عمومی در باب جرم از دو نوع عنصر گفتگو میکنند:

۱ - عناصر اختصاصی که بحسب جرائم متفاوت بوده و در مورد هر جرم از طرف قانونگذار تعیین میگردد مانند سرقت که در حقوق جزاء فرانسه بر بودن متقلبانه مال غیر تعریف شده و بنابراین عناصر اختصاصی آن عبارت است از اولاً ربودن ثانیاً بطور متقلبانه و بقصد تصاحب ثالثاً وجود مال منقول رابماً تعلق آن بغیر .

۲ - عناصر عمومی که مشترك میان عموم جرائم بوده و بدون تحقق آنها هیچ جرم محقق نميگردد و آن عبارت است از اولاً عنصر قانونی یعنی عمل یا خودداری از عمل باید بموجب قانون مجازات مقرر شده باشد .

ثانیاً عنصر مادی یعنی عمل یا خودداری از عمل باید صورت خارجی بخود گیرد  
ثالثاً عنصر معنوی (یا روحی) و آن عبارت است از اراده و خواسته عامل و این عنصر

اخیر است که بیشتر مورد بحث نگارنده در این مقاله خواهد بود .

(۲) Précis de droit criminel par H. Donne Dieu de Vabre. p. 35

(۳) Cours de droit pénal général par Le professeur M. Flour p.194

### تخریب در قانون جزائی ایران

راننده‌ای در حین راندن اتومبیل عمداً و مثلاً بداعی انتقام بشخص عابری تصادم و او را بهلاکت میرساند. عمل راننده قتل عمدی است زیرا نفس عمل یا سبب قتل یعنی راندن اتومبیل و نتیجه حاصله از آن یا مسبب یعنی قتل عابر هر دو مقصود راننده بوده است.

راننده‌ای اتومبیلی را برخلاف نظامات رانندگی بطرف چپ معبر میراند و اتفاقاً بدون اینکه اراده او دخالتی داشته باشد بعابری تصادم و او را مقتول مینماید. در این فرض قتل غیر عمدی است زیرا اگرچه عمل راندن اتومبیل بطرف چپ خیابان ارادی و مورد قصد راننده بوده ولی نیتی برای قتل عابر نداشته و جرم اتفاقاً بدون عمد واقع شده است.

پس چنانکه دانستیم در جرم غیر عمدی هم نفس عمل ارادی خواهد بود. علماء حقوق جزاء در طبقه بندی جرائم عمدی و غیر عمدی حد وسطی نیز قائلند که آنرا اصطلاحاً «*Délit preter intentionnel*» می‌نامند و آن در موردی است که نتیجه حاصله از عمل از حدی که مقصود عامل بوده است تجاوز میکند مانند ایراد ضرب بقصد زدن که موجب قتل مجنی علیه گردد و این همان موردی است که بموجب ماده ۱۷۱ قانون جزاء ایران پیش بینی شده است. این دسته از جرائم از آن جهت که عمل و نتیجه حاصله بالجمله مقصود عامل بوده شبیه بجرائم عمدی بوده و از لحاظ اینکه نتیجه بکیفیتی که حاصل شده منظور مرتکب نبوده بجرائم غیر عمدی شباهت دارد.

با ذکر مقدمه اجمالی فوق اکنون می‌خواهیم بدانیم عنصر معنوی یعنی قصد مجرم در جرائم عمدی بچه کیفیت باید موجود باشد تا با تارقن با دو عنصر دیگر جرم تحقق یابد.

از خیلی قدیم در داد گستری ایران جمله‌ای در این باب معروف شده که با عدم دقت کافی در مفاد آن سر بسته بعنوان یکی از اصول موضوعه قبول و منشاء بعضی روشهای قضائی شده است که با مبانی حقوقی و روشهای قضائی سایر کشورها مطابقت نمی‌نماید.

آن جمله این است که: «**هیچ جرم عمدی بدون سوء نیت تحقق نمیشود.**» در این عبارت هر گاه مقصود از سوء نیت شعور و توجه عامل بارتکاب یا خودداری از عملی برخلاف قانون جزا باشد این مطلب کاملاً صحیح است زیرا بطوریکه گذشت عمل غیر ارادی و کاری که سهواً یا بعلت فورس ماژور از کسی سر بزنند ولو برخلاف قانون جزا باشد یعنی بموجب قانون جرم شناخته شده باشد جرم نیست یا به تعبیر بعضی از مؤلفین جرمی است که قابل مجازات نمیباشد<sup>(۱)</sup>

ولی هر گاه مقصود قصد و نیت مرتکب بارتکاب عمل بمنظور اضرار بمجنی علیه یا اهانت باو یا گرفتن انتقام از او و از این قبیل دواعی شیطانی باشد (چنانکه غالباً از عبارت مزبور، همین معنی را اراده میکنند) این معنی علی‌الاطلاق صحیح نبوده و روح مطلب هم در همین جاست.

(۱) Précis de droit criminel par H. Donne Dieu de Vabre p.35

## تخریب در قانون جزائی ایران

باین بیان که در بیشتر جرائم عمدی آنچه عنصر معنوی جرم را تشکیل میدهد اراده و خواسته مرتکب بارتکاب عمل خلاف قانون جزا یا خودداری از عملی است که بموجب قانون جزا تکلیف شده است در حالیکه نتیجه عمل نیز مقصود عامل است و چون قصدی من حیث هو و اعم از اینکه بداعی اضرار بمجنی علیه یا انتقام از او یا هر داعی دیگر مثلاً جلب نفع شخصی یا حتی بتحریک حس نوع دوستی واقع گردد علی الفرض از جهت آنکه مخالف قانون جزاء است برخلاف منافع اجتماع میباشد بهرحال سوءنیت یا سوء قصد تعبیر میشود و آنرا اصطلاحاً «Dol général» یا سوء قصد عام میگویند.

ولی در پاره‌ای از جرائم جرم مستحق نمیشود مگر اینکه قصد مرتکب مقرون باضرائی نیت متقلبانه باشد بعبارت دیگر در این موارد عنصر معنوی جرم تنها قصد و عمد مرتکب بارتکاب عمل مخالف قانون جزا نبوده و بلکه قصد اضرار یا نیت متقلبانه عنصر معنوی برای تشکیل جرم میباشد و آنرا «Dol spécial» یا سوء قصد خاص می‌نامند.

مثلاً ایراد ضرب ولو بشوخی وبدون قصد انتقام و اهانت جرم است یا فروختن مال مرهون بقصد اینکه با ثمن معامله طلب مرتون پرداخته شود مسلماً معامله معارض است در این دو مثال جرم واقع شده است بدون اینکه سوء قصدی بمعنی اخص باشد.

بالعکس در تعداد کمتری از جرائم مانند جعل و سرقت تنها قصد و عمد مرتکب بارتکاب عمل برای تحقق جرم کافی نبوده و حتماً باید مقرون به نیت اضرار و متقلبانه باشد. ساختن امضاء کسی بدون قصد اضرار و سوء استفاده از آن و مثلاً به نیت مشاقتی و تقلید از صاحب امضاء یا ربودن مال کسی بشوخی و بدون قصد تصاحب جعل و سرقت نیست.

برای اینکه مطلب بهتر روشن شود لازم است با یک دقت فلسفی و پسیکولوژیک نیت و قصد را از محرك و داعی تفکیک نمود و این خود نکته‌ای بسیار باریک و پر اهمیت است و بسیاری از روشهای قضائی محاکم خارجی بعلت خط این دو معنی مورد انتقاد علماء حقوق میباشد.

در مثال ایراد ضرب آنچه مورد قصد و نیت ضارب قرار میگیرد وارد کردن ضربه بمجنی علیه است و همین امر به تنهایی عنصر معنوی جرم را تشکیل میدهد حالاً ضارب بکدام داعی (انتقام - اهانت یا شوخی) ضربه را وارد کرده باشد امور مزبور صرفاً دواعی بوده و فقط در تشدید یا تخفیف مجازات میتوانند مؤثر باشند یا در مثال معامله معارض که سابقاً گفتیم آنچه عنصر معنوی جرم را تشکیل میدهد قصد راهن بایقاع معامله دوم است و داعی او باینکه مورد وثیقه را از دسترس مرتن بمنظور فرار از پرداخت دین خارج کند یا با تحصیل وجه در پرداخت دین تسریع کرده باشد از حیث تحقق جرم مؤثر نبوده و تنها در تخفیف یا تشدید مجازات مؤثر خواهد بود باین معنی که بفرض اول مستوجب مجازات شدیدتری نسبت بفرض دوم خواهد بود.

مثال ذیل افتراق داعی را از قصد بهتر نشان میدهد.

«Euthanasie» یا کشتن کسی بدرخواست خود او بالاجماع قتل نفس و جرم است پسری مبتلا بسرطان غیر قابل علاج از فرط رنج از پدرش درخواست میکند بحیات

## تخریب در قانون جزائی ایران

او خاتمه دهد. پدر بتحریک محبت پدری و بخاطر اینکه مریض که بزودی خواهدمرد کمتر رنج بکشد مسئول او را اجابت میکند. عمل که بقصدکشتن انجام گرفته مسلماً قتل نفس است ولی بتحریک امر مقدسی واقع شده مستوجب مجازات خفیفتری از قتلهاست که بداعی انتقام یا نفع مادی واقع میشود خواهد بود.

در پایان این مقدمه و قبل از ورود باصل موضوع بد نیست که جواب ازسؤال مقدری که ممکن است بذهن بعضی از خوانندگان محترم خطور کند داده شود.

گفتیم ایراد ضرب و جرح ولو بدون سوءنیت بمعنی اخص جرم است. ممکن است خواننده‌ای ایراد کند در اینصورت ایراد ضرب از طرف پدر بفرزند بقصد تأدیب یا ضرب و جرحی که مشتبازان در ضمن مسابقات ورزشی بحریف وارد میکنند چه صورت خواهد داشت؟

باین پرسشها چنین پاسخ میدهند که در دو مثال فوق اولاً در مورد تأدیب باید عمل از حدود متعارف و در مورد مشت بازی از حدود قواعد اسپورت تجاوز نکند و گرنه جرم است ثانیاً بفرض عدم تجاوز از حدود متعارف و قواعد ورزشی اباحه عمل مستند بعرف و عادت است که خود مانند قانون یکی از منابع حقوقی است.

## ب - تخریب در قانون مجازات ایران

بموجب ماده ۲۵۷ قانون مجازات عمومی «هر کس عمدتاً عمارت یا کشتی یا انبار یا کارخانه و کلیه هر محل مسکون یا مستعد برای سکنی یا کالسه و یا واگون و ساری و سایر آلات نقاله یا راهها و پلها و مجاری آبها و کلیه هر نوع اشیاء منقوله یا غیر منقوله را خراب کند یا بهر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید در صورتیکه مال خود او نباشد بپس تأدیبی از شش ماه تا دو سال و بتأدیه غرامت از ده الی دویست تومان محکوم خواهد شد»  
نظر بماده فوق عناصر مشکله تخریب از قرار ذیل است:

- ۱ - مورد تخریب باید یکی از اشیاء مذکور در ماده ۲۵۷ نامبرده باشد - بخلاف کد پنال فرانسه که تخریب اشیاء منقول و غیر منقول را تفکیک نموده است در قانون مجازات ایران تخریب اموال منقول و غیر منقول در یک حکم قرار داده شده و این امر جداً قابل انتقاد است زیرا بحکم ظاهر ماده ۲۵۷ هر کس عمدتاً فی المثل یک استکان متعلق بغیر را بشکند مستوجب حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال و پرداخت غرامت از ده تا دویست تومان میباشد اگر چه بهای استکان مورد اتلاف یکریال بیشتر نباشد بهمین جهت است که محاکم در موارد مشابه سعی دارند از ظاهر ماده مزبور عدول نمایند
- ۲ - یکی از اشیاء مرقوم در ماده ۲۵۷ باید در نتیجه عمل عامل خراب یا تلف شود تخریب یا خراب کردن در لغت بمعنی در هم ریختن و زیر و زبر کردن است و همانگونه که در ماده ۴۳۷ کد پنال فرانسه تصریح شده لازم نیست تمام شیئی مورد تخریب خراب شده باشد بلکه خراب شدن قسمتی از آنهم میتواند مشمول عنوان تخریب قرار گیرد مشروط بر اینکه عرفاً بتوان بر آن اطلاق خراب شدن نمود.

## تخریب در قانون جزائی ایران

بنابراین همانگونه که مؤلفین حقوق جزاء فرانسه تصریح میکنند شکستن شیشه پنجره خانه‌ای تخریب خانه تلقی نمیشود و بهمین قیاس مثلاً هرگاه مستاجری برای تبدیل درب خانه استجاری بدر بزرگتر درگاه محل نصب در را توسعه دهد و بالتیجه چند آجر از اطراف آن را بکند. ولی بالعکس خراب کردن یک اطاق از خانه‌ای عرفاً تخریب تلقی میگردد و در هر مورد بر عهده حاکم قضیه است که صدق عرفی تخریب یا عدم آنرا تشخیص دهد.

۳ - اشیاء مورد تخریب باید متعلق بغير باشد و تخریب اشیاء متعلق بعامل اصولاً جرم نیست.

۴ - مرتکب باید عامد در تخریب باشد. بنابراین خراب کردن و اتلاف مال کسی سهواً جرم نیست.

چهارمین عنصر تخریب که عبارت از عنصر معنوی آن باشد قصد و عمد در تخریب است و با توجه بمطالبی که در مقدمه مقال ایراد شد مطلوب آن است که دانسته شود آیا آنچه عنصر معنوی جرم تخریب را تشکیل میدهد سوءنیت بمعنی اخص یا بمعنی اعم است عبارت دیگر میخواهیم بدانیم برای اینکه عمل تخریب جرم شناخته شود آیا صرف عمد از طرف مرتکب کافی است و لوا اینکه بمنظور نفع شخصی و بدون نیت اضرار بمالک عمل نموده باشد یا اینکه برای تحقق جرم تخریب لازم است حتماً مرتکب بقصد اضرار بمالک اقدام نموده باشد.

تشتت آراء مراجع قضائی ایران در این موضوع و انحراف آراء غالب از مبانی حقوقی ایجاب مینماید که با تفصیل بیشتری در این باب گفتگو کنیم.

در ماده ۴۳۷ کد پنال ۱۷۹۱ فرانسه تخریب که بمنظور کینه توزی یا انتقام و اضرار بمالک واقع شده باشد قابل مجازات شناخته شده بود. در اصلاحی که بعداً در این ماده بعمل آمد تخریب عمدی بطور اطلاق و بدون ذکر علت وقوع آن جرم دانسته شده است.

بحکایت مجموعه قدیمی دالوز از مؤلفین و شارحین کد پنال در اواسط قرن ۱۹ کسانی هستند که بطور کلی قصد اضرار را شرط تحقق جرائم عمدی دانسته و معتقدند تخریب بدون قصد اضرار جرم نمیشود ولی از شارحین جدید مانند امیل گارسون و گوی و مارسل روسله و موریس پاتن که خود مستشار دیوان کشور فرانسه میباشد به پیروی از روش قضائی دیوان کشور تخریب عمدی را بدون توجه باینکه بچه داعی واقع گردیده جرم میدانند.

در قانون مجازات ما آنچه در بادی نظر ذهن را باین فکرمی کشاند، که تخریب باید مقرون بقصد اضرار باشد، دو امر است:

۱ - ذکر جرم مزبور در فصل مربوط بحریق عمدی که نوعاً از قصد اضرار

منفک نیست.

۲ - وجود ماده ۲۵۸ که مقرر میدارد « هرگاه جرائم مذکور در ماده سابقه بوسیله بمب یا مواد محترقه واقع شده باشد جزای آن حبس مجرد از دو تا پنج سال است» و بدیهی است فرض و نوع تخریب و اتلاف با بمب و مواد محترقه ملازم با قصد اضرار خواهد بود و باقیاس باین ماده سایر موارد تخریب با اندکی دقت میتوان دریافت که چنین استدلالی بهیچوجه متکی باساس علمی نبوده و جداً مخدوش است زیرا:

اولاً - در خود جرم حریق میتوان مواردی را فرض کرد که بدون قصد اضرار جرم محقق میگردد مانند اینکه کسی در صحرائی خرمنی را که نمیداند صاحب آن کیست مثلاً بمنظور تماشای منظره حریق (بدون قصد اضرار بمالک ناشناس) آتش بزند در این فرض که کاملاً ممکن الوقوع میباشد مسلماً مورد مشمول ماده ۲۵۲ قانون مجازات عمومی و حریق عمدی خواهد بود. بنابراین جرم حریق نیز از جرائمی است که بهر علت عمداً واقع شود جرم است و عبارت دیگر عنصر معنوی آن عمد یا سوء قصد بمحض اعم است.

ثانیاً - اگرچه افراد جلی و متبادر بذهن از تخریب و اتلاف مواردی است که جرائم مذکور بقصد اضرار و ارباب و بطور خصمانه واقع شده باشد ولی این امر موجب آن نمیشود که مواردی دیگر که بحسب اصول حقوقی و تعریف قانونی مشمول عنوان تخریب و اتلاف هستند تخریب و اتلاف ندانست همانطور که قتل نفس نیز بطور غالب و باستثناء موارد بسیار نادر بمنظور انتقام یا طمع و از این قبیل دواعی شیطانی واقع میشود ولی این اسرمانع از آن نیست که قتلی که بداعی نوع دوستی و برای رهانیدن مقتول از چنگال رنج و درد واقع شده است جرم بدانیم.

مطلب دیگری که بی مناسبت نیست در اینجا یادآوری شود این است که در بسیاری از دعاوی تخریب وقتی قصد در مراجع قضائی مطرح میگردد که مستأجر قسمتهائی از مورد اجاره را خراب و مطابق سلیقه و احتیاج خود بشکل دیگر ساخته است. در اینگونه موارد ممکن است بعضی تصور کنند عمل مستأجر متضمن تعمیر بوده است نه تخریب.

ولی این تصور باطل است زیرا مفروض آن است که مستأجر بدو محل را خراب نموده تا نتوانسته است آنرا بشکل دیگری بسازد و عبارت دیگر دو عمل از مستأجر سرزده است یکی تخریب محل و دیگری ساختن آن و عمل دوم که یک کار خودسرانه بیش نیست موجب سلب عنوان جرم از عمل اول نخواهد بود حتی اگر محل را عیناً بصورت اول بسازد و ارزش این استدلال بهتر ظاهر میشود هرگاه فرض شود که مستأجر بعد از خراب کردن مورد اجاره و قبل از ساختن آن بلافاصله مورد تعقیب قرار گیرد زیرا در این صورت دیگر بهیچ عنوان نمیتوان قبول کرد که عمل خراب کردن واقع نشده است و چنانکه واضح است اظهار مستأجر باینکه تعقیب او موقوف ماند تا بجای محل خراب شده عمارت بهتری بسازد بهیچ عنوان قابل قبول نخواهد بود.

### ج - نتیجه ای که باید از این بحث گرفته شود

از بحث و استدلالاتی که تاکنون نمودیم نتایج ذیل بدست میآید :

۱ - با در نظر داشتن مطالب سابق و با توجه بصریح ماده ۲۵۷ قانون مجازات

### تخریب در قانون جرایم ایران

عمومی که خراب کردن اشیاء معین و بطور کلی هر مال منقول یا غیر منقول متعلق بغیر را عمداً - جرم دانسته است باید اذعان نمود که عنصر معنوی جرم تخریب سوء نیت بمعنی اعم یعنی قصد و عمد در تخریب بوده و با تحقق این معنی بضمیمه دو عنصر دیگر قاضی باید بدون تحقیق در اطراف داعی و محرك عمل که آیا قصد اضرار بملک یا نفع شخصی بوده جرم را ثابت بداند و فقط در موقع تعیین مجازات و رعایت تخفیف یا تشدید دواعی را در نظر بگیرد.

۲ - بطور کلی و اصولاً تشکیل دهنده عنصر معنوی «جرائم عمدی قصد و اراده آزاد عامل بوده و اموری که محرك مرتکب در ارتکاب عمل واقع شده است مانند کینه توزی انتقام - طمع و غیره خارج از تعریف جرم بوده و جز در مواردی که مانند بند ب ماده ۲۶۹ قانون مجازات عمومی قصد اضرار بغیر صریحاً قید شده یا مانند سرقت از مجموع مواد چنین قیدی استنباط میشود یا روشهای قضائی ثابت و فتاوی مورد اتفاقی بر لزوم آن موجود میباشد یا ماهیت جرم طوری است که بدون قصد اضرار عقلاً نمیتواند واقع شود مانند درخواست ، ثبت ملک غیر ، نباید برای کشف جرم سوء نیت بمحض اخص یا قصد اضرار را جستجو نمود .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی